

## آینه‌های شکسته (۳)

### نگاهی به ترجمه قدیم و ترجمه پیروز سیار از عهد عتیق در پرتو متن عبری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم | حیدر عیوضی \*

| ۳۴۳-۳۵۴ |

۳۴۳

آینه پژوهش | ۲۰۶  
سال ۳۵ | شماره ۲  
خرداد و تیر ۱۴۰۳



چکیده: شواهد ارائه شده در این شماره با تمرکز بیشتر بر ترجمه قدیم، در سه محور قرار دارند: ۱. افراط در ترجمه تحت اللفظی؛ ۲. برخی اغلاط؛ ۳. سایه روشن ترجمه‌های عربی در ترجمه قدیم (محور جدید). به عبارتی، به جز محور سوم که برای اولین بار در اینجا مطرح می‌شود، سایر شواهد این مقاله در ذیل همان محورهای پیشین بوده، و مکمل آنها می‌باشند. کلیدواژه‌ها: عهد عتیق، نقد و بررسی، ترجمه.

**Broken Mirrors (3):  
A Look at the Ancient Translation and the Pirouz Sayyar's Translation of the Old Testament in Light of the Hebrew Text**  
Heidar Eyvazi

**Abstract:** The evidence presented in this issue, with a greater focus on the old translation, is categorized into three main areas: 1. Excessive literal translation; 2. Certain mistakes; 3. The nuances of Arabic translations in the old translation (a new focus). In other words, aside from the third area, which is introduced here for the first time, the other pieces of evidence in this article fall under the same previous categories and complement them.

**Keywords:** Old Testament, Critique and Review, Translation.

\* از استاد ارجمندم آقای دکتر حمای لاله‌زار بابت مطالعه نسخه پیش از چاپ و پیشنهادهای سودمند سپاسگزارم.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## درآمد

ترجمه متون مقدس همچنان جزء پروژه‌های جاری در همه جوامع، از جمله برای جامعه عملی ما می‌باشد و همانطور که ترجمه ایده‌آل از قرآن به فارسی نداریم، ترجمه کامل و دقیق از کتاب مقدس به فارسی نیز موجود نیست. اساساً ترجمه تک تک این متون نیازمند کار تیمی، متشکل از پژوهشگران متعدد با توانایی‌های متفاوت است. به طور مثال، برای ترجمه فنی از قرآن، همکاری یک تیم دست‌کم شش نفره لازم است که هر یک به طور مجزا در شاخه‌هایی چون ادبیات عرب، زبان فارسی، زبان عبری، آرامی-سریانی، گویش‌های مختلف عربی و باستان‌شناسی دوره متأخر باستان در شبه جزیره عربستان صاحب نظر باشند. متن قرآن متضمن ارجاعات فراوان به متون یهودی-مسیحی است که در این میان، برخی آیات سالها چه در حوزه تفسیر و چه در حوزه ردیه‌نویسی از مسائل چالشی بوده، و امروزه به یمن پژوهش‌های تطبیقی راز برخی از مسائل بر ما کشف شده، اما همچنان انبوهی مسائل دیگر معرکه آرا هستند.

۳۴۵

آینه پژوهش | ۲۰۶  
سال ۳۵ | شماره ۲  
خرداد و تیر ۱۴۰۳

همینطور در ترجمه تورات به فارسی نیز مترجم صرفاً با کسب سه شرط کلی و اولیه تسلط به زبان مبدأ، تسلط به زبان مقصد و تسلط به موضوع، نمی‌تواند از عهده این متن چند لایه و خم اندر خم به درستی برآید، بلکه این حوزه نیازمند یک کار تیمی، از جمله دانش زبان عربی می‌باشد که در این خصوص به شواهدی از جمله مقالات جناب لوتار کوپف اشاره خواهد شد (نک. ادامه).

پیش از ورود به بحث، لازم به ذکر است که مشخصات کامل منابع مورد استفاده در این مجموعه مقالات که معمولاً با علائم اختصاری نشان داده شدند، در کتابنامه فرهنگ تطبیقی قرآن و تورات آمده است. و اما محورهای سه‌گانه در این شماره با محوریت ترجمه قدیم:

### ۱. افراط در ترجمه تحت اللفظی

پیدایش ۴۵: ۸

ترجمه سیار

ترجمه قدیم

[یوسف:] و او مرا پدر بر فرعون و آقا بر تمامی اهل خانه او و حاکم بر همه زمین مصر ساخت. و او مرا چون پدر از برای فرعون و چون سرور بر کل خانه‌اش و چون حاکم در سراسر سرزمین مصر برگمارد.

در آیه فوق واژه  $\text{אֲבִי} / \text{āb}$ ، علاوه بر معنای پایه‌ای «پدر» فراوان در تنخ به معنای «مشاور» نیز آمده است. به این ترتیب، ترجمه آن همراه به «پدر» استوار نیست. در ترجمه سیار از یک سو واژه «چون» افزوده شده تا از معنای لغوی آن فاصله گیرد، و از سوی دیگر در یک پاورقی به درستی صنعت زبانی مستتر در آیات مشابه منعکس شده است، عین عبارت آن چنین است: «پدر، لقب وزیر است (بنگرید به اشعیا ۹: ۵ و ...)».

### تثنيه ۱۳: ۱۲

#### ترجمه قدیم

[۱۲] بعضی پسران بلیعال از میان تو بیرون رفته، ساکنان شهر خود را منحرف ساخته، گفته‌اند برویم و خدایان غیر را که نشناخته‌اید، «برویم و خدایان دگر را پرستش کنیم» که شما عبادت نماییم. آنها را نشناخته‌اید.

#### ترجمه سیار

ترکیب  $\text{בְּיָיִ - בְּלִיעָל} / \text{al-beliyya}$  ben- beliyya یک اصطلاح به معنی «اراذل و اوباش» است، خود واژه  $\text{בְּלִיעָל} / \text{al-beliyya}$  «خبثت، پستی»، و به صورت  $\text{בְּלִיעָל} / \text{al-beliyya}$  «انسان لثیم»<sup>۲</sup> و صورت جمع آن در بالا به معنی «اوباش و اراذل» است، اما در برخی ترجمه‌ها از جمله ترجمه قدیم اسم خاص تلقی شده، که گویی به طایفه‌ای معین اشاره دارد.

در این رابطه متن پاورقی سیار نیز چنین است: «تت. «پسران بلیعال». معنی محتمل: «بدون فایده» که اراذل» یا «بدکاران» از آن ناشی می‌شود. اندک اندک، «بلیعال» همچون اسم خاص درک شد که با قدرت بدی مرتبط بود (نک. مزامیر ۱۸: ۵)؛ «بلیعال» در عهد جدید (۲ کرنتیان ۶: ۱۵)، و در مجعولات ذکر شده است».

### اول پادشاهان ۱: ۶

ترکیب  $\text{בְּיָיִ - בְּחַנְבִּי} / \text{im-hannēbi}$  ben hannēbi در ابتدای آیه یک اصطلاح است و به معنی «گروهی از انبیاء، جمع پیامبران» می‌باشد. واژه  $\text{בְּחַנְבִּי} / \text{im-hannēbi}$  به عنوان پیشوند در تنخ برای اشاره به یک جمع، صنف شغلی یا اهالی یک شهر به کار می‌رود، از جمله در اشاره به

۱. در ترجمه سیار شماره ۱۳ می‌باشد.

۲. حییم، فرهنگ عبری-فارسی، ص ۴۴.

صنف عطاران در  $\text{בְּנֵי-הָאֱלֹהִים}$  / ben hārakkāhim «حَنَنْیَا که از عطاران بود» (نحمیا ۳: ۸)؛<sup>۱</sup> بر این پایه ترجمه هماره آن به پسر/پسران (I) و جوان/ جوانان (II)، همانطور که در ستون‌های یک و دو ملاحظه می‌شود، افراط در تحت اللفظی است:

I	ترجمه قدیم	و پسران انبیا به ایشع گفتند ...
	ASV	And the sons of the prophets said unto Elisha, ...
II	دری	یک روز انبیا جوان به ایشع گفتند
	لوتر (2017)	Die Prophetenjünger sprachen zu Elisa, ...
III	مژده	روزی گروهی از انبیا به ایشع گفتند
	تفسیری	روزی گروه انبیا نزد ایشع آمدند و به او گفتند
	سیار	جمع پیامبران ایشع را گفتند

مطابق کتاب پادشاهان، در این دوره، پیامبران به صورت گروهی حضور داشتند و ایشع نبی با آنها در ارتباط بوده است (۲ پادشاهان ۲: ۳)؛ در ترجمه قدیم در مورد اخیر نیز از «پسران انبیا» استفاده شده است!

### هوشع ۱۱: ۸

#### ترجمه مژده

دل من در اندرونم منقلب شده و رقت‌های من دلَم در قفسه سینه‌ام از غصه می‌تپد و از با هم مشتعل شده است. شدت ترخم به رقت می‌آید.

#### ترجمه قدیم

عموم ترجمه‌ها در معادل‌گذاری عبارت پایانی این آیه با مسامحه همراهند، از جمله در ترجمه قدیم که افراط در تحت اللفظی بودن را ملموس‌تر می‌نماید. باید توجه داشت که  $\text{בְּרַחֲמֵי יְהוָה בְּרַחֲמֵי יְהוָה}$  در آیه، مانند  $\text{בְּרַחֲמֵי יְהוָה בְּרַחֲמֵי יְהוָה}$  به عنوان یک اصطلاح الهیاتی به معنای «رحمتش به جوش آمده» می‌باشد.<sup>۲</sup> به این ترتیب، چنین مضمونی پیشنهاد می‌شود: «دل من در اندرونم منقلب شده و رحمتم به جوش آمده است» (۱۱: ۸).<sup>۳</sup>

۱. نک. فرهنگ تطبیقی قرآن و تورات، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۲. حییم، فرهنگ عبری-فارسی، ص ۲۱۲.

۳. نک. TDOT, 3/ 425-7.

## امثال ۱۵: ۱۸

هزاره نو

ترجمه قدیم

اما شخص دیرغضب خصومت را ساکن می‌گرداند اما شخص دیرخشم مرافعه را فرو می‌نشاند

معنای پایه‌ای ریشه  $\text{šqt}/\text{תקצ}$  «آرام گرفتن، بیاسودن» است، اما در باب Hiphil از جمله در آیه فوق، با توسعه معنایی بر «فیصله دادن [دعوا، دشمنی]»، «پایان دادن به [مرافعه، خصومت]» دلالت دارد؛ بر این پایه، ترجمه هماره آن «ساکن گردانیدن» همانطور که در ترجمه قدیم ملاحظه می‌شود، استوار نمی‌نماید؛ و در این مورد ترجمه هزاره نو درست‌تر می‌باشد.

مزامیر ۱۰۲: ۵ [عبر. ۶]

۱	تفسیری، دری، مؤده، با صدای بلند می‌نالیم؛ جز پوست و استخوان چیزی در بدنم هزاره نو	نمانده است.
	لوتر (۱۹۸۴)	Mein Gebein klebt an meiner Haut vor Heulen und Seufzen. (پوست)
۲	قدیم	به سبب آواز ناله خود، استخوانهایم به گوشت من چسبیده است.
	ASV	By reason of the voice of my groaning My bones cleave to my flesh.

۳۴۸

آینه پژوهش | ۲۰۶  
سال ۳۵ | شماره ۲  
خرداد و تیر ۱۴۰۳

واژه  $\text{bāsār} / \text{bašara}$  در بیشتر زبان‌های سامی مشترک است. در فنیقی، عبری و گویش‌های آرامی  $\text{bsr}$  به معنای «گوشت» می‌باشد؛ در اگاریتی  $\text{bšr}$  «گوشت، بدن» فراوان به کار رفته است. اما در عربی  $\text{bašara}$  به معنای «پوست» می‌باشد. وانگهی در حبشی  $\text{bāsār}$ ، و در عربی جنوبی  $\text{bsr}$  به معنای «گوشت» جزء وام‌واژه‌ها محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

واژه  $\text{bāsār} / \text{בָּשָׂר}$  عمدتاً به معنای «گوشت/ بدن»، حدود ۲۷۰ مرتبه در تورات به کار رفته که در این میان بیشترین کاربرد آن با ۱۳۸ بار تکرار در اسفار خمس به چشم می‌خورد. البته این واژه حوزه معنایی گسترده دارد، و همه جای تورات به معنای «گوشت» نیست.

1. TDOT, 2/317; KBL, 157; BDB, 142.

از جمله به معنای «انسان»، مترادف با  $\text{אָדָם} / \text{ādām}$  در «روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد، زیرا که او نیز بشر است» (پیدایش ۶: ۳؛ ارمیا ۱۷: ۵)؛ و بر همین پایه  $\text{כֹּל-בָּשָׂר} / \text{kol bāsār}$  «هر جاندار» (پیدایش ۹: ۱۵).

اما در رابطه با آیه مورد بحث؛ گفته آمد که واژه مورد بحث هرچند در عربی به معنی «پوست» است اما در عربی جنوبی و حبشی به عنوان وام‌واژه به معنای «گوشت» به کار رفته، عکس آن نیز در کاربردهای عبری (از جمله در اینجا) رخ داده است. بر این پایه، در این آیه مزامیر، واژه عبری نمی‌تواند به معنای متداول آن یعنی «گوشت» باشد، چه اینکه در مقام گریه و تضرع ترکیب «استخوانم به گوشتم چسبیده» نادرست و فاقد هرگونه استعاره خواهد بود. و به عبارت دیگر،  $\text{בָּשָׂר} / \text{bāsār}$  در اینجا متأثر از معنای رایج عربی این واژه به معنی «پوست» می‌باشد. بر این پایه، ترجمه‌های مندرج در ستون شماره یک (برخی ترجمه‌های فارسی و لوتر) درست‌اند.

برای موارد مشابه و اهمیت دانش زبان عربی در ترجمه برخی ریشه‌های سامی در تنخ، دو مقاله مفصل آقای لوتار کوپف با عنوان «ریشه‌های عربی و معادل‌هایی برای قاموس‌های کتاب مقدس»<sup>۱</sup> پیشنهاد می‌شود؛ ترجمه خلاصه‌ای از مقاله نخست به همراه یک تکمله در سال ۱۳۹۸ به قلم نگارنده این سطور منتشر شده است.<sup>۲</sup>

## ۲. برخی اغلاط

ایوب ۱۵: ۵

ترجمه مزده

ترجمه قدیم

زیرا که دهانت، معصیت تو را حرف‌هایی که می‌زنی گناهانت را ظاهر می‌سازد، تو با حيله و نیرنگ آشکار می‌کنی؛ و با حيله و نیرنگ صحبت می‌کنی.

1. L. Kopf, (I) "Arabische Etymologien und Parallelen zum Bibelwörterbuch", Verus Testamentum, vol. 8, Fasc. 2 (Apr., 1958), pp. 161- 215.

(II) "Arabische Etymologien und Parallelen zum Bibelwörterbuch", Verus Testamentum, vol. 9, Fasc. 3 (Jul., 1959), pp. 247- 284.

۲. نک. آینه پژوهش، ش ۱۷۵، اردیبهشت ۱۳۹۸، ص ۳۷-۴۴.

فعل مورد بحث در آیه فوق،  $y\dot{e}'all\dot{e}f$  /  $\text{עֲלֵף}$  از ریشه  $l\dot{p}$  /  $\text{לָפ}$  در باب piel به معنای «تعلیم دادن» که البته دخیل از آرامی می‌باشد،<sup>۱</sup> و در بخش‌های دیگر کتاب ایوب نیز استفاده شده است، از جمله در «و خاموش باش تا به تو حکمت بیاموزم» (۳۳: ۳۳؛ ۳۵: ۱۱). متن عبری، فاقد معادلی برای واژه «معصیت» است، و این واژه آنطور که در ترجمه قدیم آمده یک افزوده توضیحی می‌باشد تا معنای متعدی فعل را منعکس کند. با توجه به ادامه آیه از یک سو و معنای اصلی فعل مورد بحث از سوی دیگر ترجمه پیشنهادی برای ۱۵: ۵ عبارتی به این مضمون است: «گناهانت [این گستاخی را] به دهانت آموخته است»؛ این پیشنهاد با دیگر کاربردهای آن از جمله ۳۳: ۳۳ نیز همسو است.

ارمیا ۴۹: ۲۰

ترجمه مزده

ترجمه قدیم

حتی کودکان آنها را کیشان کیشان خواهند برد

البته ایشان صغیران گله را خواهند ربود

شاهد مثال در آیه فوق، ترجمه فعل  $yishab\ddot{o}m$  /  $\text{יִשָּׁבֵם}$  از ریشه  $shb$  می‌باشد که از جمله ریشه‌های مشترک در زبان‌های سامی چون عبری، عبری و حبشی است و بر معنای پایه‌ای «کشیدن (به این طرف و آن طرف)» دلالت دارد. از کاربردهای آن در قرآن در بافت آخرت شناسانه «إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ» (غافر: ۷۱) که کشیده شدن اهل جهنم با بندها و زنجیرها بر گردن را ترسیم می‌کند.

به این ترتیب، ترجمه مزده در این مورد استوارتر است. ترجمه قدیم در جای دیگر نیز (ارمیا ۱۵: ۳)، از معادل «دریدن» استفاده کرده است:

ترجمه مزده

ترجمه قدیم

[بدنهای آنها] به وسیله سگها به اطراف کشیده شود

و سگان برای دریدن ...

### ۳. سایه روشن ترجمه‌های عربی در ترجمه قدیم

هرچند ترجمه قدیم بر اساس متن اصلی به فارسی ترجمه شده است؛ اما به نظر می‌رسد دست کم در مواردی تیم مترجمان متأثر از ترجمه‌های عربی بوده‌اند. در ادامه تنها به سه

۱. نک. عبیوضی، فرهنگ تطبیقی قرآن و تورات، ج ۱، ص ۹۹.



مورد اشاره می‌شود، البته این موضوع بن‌مایه بسط بیشتر دارد، و می‌توان آن را به عنوان یک بایسته پژوهشی معرفی کرد.

پیدایش ۱۰:۲۳

ترجمه سیار

ترجمه قدیم

پس عفرون حتی، در مَسامع بنی حَت، ... در عَفرون حتی در حضور پسران حَت ... ابراهیم جواب ابراهیم گفت ... را پاسخ گفت ...

ترکیب  $\text{בְּאַזְבְּנֵי} / be'āzbni$  ت. «در گوش [مردمان]» به معنی «در حضور» می‌باشد؛ در عربی برای این معنی از اصطلاح متداول علی مَسامعهم «در حضور ایشان» استفاده می‌شود.<sup>۱</sup> به این ترتیب، در ترجمه قدیم به صورت «در مَسامع بنی حَت» سایه ترجمه‌های عربی احساس می‌شود، ضمن اینکه ترکیب مذکور گوئی مفهوم «درگوشی حرف زدن، پیچ کردن» را القا کرده، که لحن و محتوای آیه آن را بر نمی‌تابد.

اشعیا ۱۰:۵۹

ترجمه دری

ترجمه قدیم

مثل کوران برای دیوار تلمس می‌نماییم و مانند مثل اشخاص کور دیوار را لمس کرده راه بی‌چشمان کورانه راه می‌رویم می‌رویم و در روز روشن مانند نابینایان اُفتان و خیزان روان هستیم

محل نزاع، ترجمه صورت فعلی  $\text{נֶגַשׁשֶׁשָׁח} / neḡaššesāh$  می‌باشد؛ ریشه  $\text{גָּשַׁח} / gšš$  در شاخه‌های مختلف زبان‌های سامی در معنای پایه‌ای «لمس کردن، دست زدن» فراوان استفاده شده است.<sup>۲</sup> در تَنخ، صورت فعلی آن (در باب *piel*) دو مرتبه در همان معنای پایه‌ای تکرار شده است. در ترجمه قدیم به جهت استفاده از واژه عربی تلمس قدری تکلف دیده می‌شود؛ بر این پایه ترجمه پیشنهادی عبارتی به این مضمون است: «و مثل کوران دیوار را لمس کرده و مانند بی‌چشمان کورمال کورمال راه می‌رویم».

1. DMWA, 431.

2. Gesenius, 183; KBL, 196; TWOT, 1/174.

## امثال ۱: ۲۸

### ترجمه قدیم

### هزاره نو

و صبحگاهان مرا جستجو خواهند نمود اما مرا مرا بسیار خواهند جست و نخواهند یافت. نخواهند یافت.

در متن تورات واژه عبری برای عبارت نخست *שָׁחַרְחָרָנִי* / *yešāḥārūnni* به معنای «مرا جستجو خواهند نمود» می‌باشد. ریشه *שָׁחַר* / *šāḥar* در عبری به معنای «جستجو کردن، طلب نمودن» است (بدون قید زمان «صبح‌گاه»)، چنانچه در همین ترجمه در موارد دیگر به درستی آن را برگرداندند «تا روی تو را به سعی تمام بطلبم و حال تو را یافتم» (امثال ۷: ۱۵؛ ۷: ۱۵؛ ۸: ۱۷؛ ۱۱: ۲۷؛ ایوب ۷: ۲۱؛ ۸: ۵).

اما چرا در ترجمه قدیم قید «صبحگاهان» به فعل اضافه شده است؟ پاسخ به این سؤال نیازمند یک مقدمه کوتاه با رویکرد ریشه‌شناسی تاریخی-تطبیقی است. کوتاه آنکه، در زبان‌های سامی سه ریشه هم‌آوا از *s/šhr* وجود دارد،<sup>۱</sup> که دو مورد آن در متون عربی، عبری، آرامی پرکاربردند (قس. با تعبیر «سه اصل معنایی»<sup>۲</sup> در سخن ابن فارس). در اینجا، با توجه به محدودیت این مقاله به دو ریشه مرتبط با بحث اکتفا می‌کنیم.

الف) ریشه نخست در اکدی، عبری، آرامی و مندائی به معنای «جستجو کردن، بررسی کردن»، و با توسعه معنایی برای «احاطه کردن» مخصوصاً در بافت جادو به کار رفته؛ از مشتقات آن *šāḥar* / *שָׁחַר* «سحر، افسون» (اشعیا ۴۷: ۱۱) می‌باشد. این ریشه در پیوند با ریشه عربی *سَحَرَ* «افسون کردن» قرار دارد.

ب) *s/šāḥar* «صبح‌گاه، سپیده دم»، در عبری به صورت *šāḥar* / *שָׁחַר* قس. عربی *سَحَرَ*، این واژه نیز در متون سامی پرکاربرد است (داوران ۱۹: ۲۵؛ نحیما ۴: ۱۵)، قس. شکل جمع آن در قرآن به صورت *أَسْحَار* (ذاریات: ۱۸).

حال برگردیم به آیه مورد بحث، چنین می‌نماید که مترجمان در ترجمه فعل *שָׁחַרְחָרָנִי* / *yešāḥārūnni*، هر دو ریشه عربی و عبری را با افزودن قید «صبحگاهان» به هم

1. TDOT, 14/572.

۲. عین عبارت ایشان چنین است: «السين و الحاء و الراء أصول ثلاثة متباينة»، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۸/۳.

آمیخته‌اند. این آمیختگی ریشه‌های هم‌آوا از تله‌های شایع در ترجمه متون سامی محسوب می‌شوند؛ به طوری که در دیگر ترجمه‌های کتاب مقدس نیز تکرار این خطا را مشاهده می‌کنیم؛ از جمله در نسخه کینگ جمیز در ترجمه «مرا تفحص خواهی کرد و نخواهم بود» (ایوب ۷: ۲۱) به صورت:

“and thou shalt seek me in the morning, but I [shall] not [be].”

### جمع‌بندی

مرحوم سید عبدالله انوار (د. ۱۴۰۱)، از استادان بزرگ و مترجمان دقیق النظر، در گفت و گوی پرباری که با نشریه کتاب ماه ادبیات داشته، در رابطه با پیچیده بودن ترجمه متون مقدس نکته‌ای بیان می‌کند که ذکر آن در اینجا، به عنوان جمع‌بندی این شماره خالی از لطف نیست. این بخش از سخنان ایشان، علت سخت‌گیری قدما در ترجمه متون مقدس را بیان می‌کند و نگرانی و دغدغه پیشینیان را در انتقال مفاهیم متون دینی در زبان مقصد را منعکس می‌کند. ایشان ضمن اشاره به دو نظریه معروف در ترجمه، یعنی لفظ گرایانه و معنی گرایانه، به قول سومی هم اشاره می‌کند که قدما مشخصاً در مورد متون وحیانی مطرح می‌کردند:

«حال که این دو قول گفته شد، باید بگوییم در برابر آنها قول ثالثی وجود که می‌گوید در ترجمه بعضی متون باید متن، لغت به لغت به ترجمه آید و در این نوع ترجمه دیگر مسئله گرامر و نحو زبانی که ترجمه در آن صورت می‌گیرد، مطرح نیست؛ فقط کلمات و واژه‌های متن جا به کلمات زبان مترجم فیه (زبان مقصد) می‌سپارد. این ترجمه لغت به لغت (Ipsissima verba) اغلب از متون به عمل می‌آید که مترجم زبان آن متن را در منزلتی می‌بیند که فوق جایگاه انسانی، یعنی مترجم است؛ با این فرض دست به کار می‌شود که این کلمات معانی‌ای دارند که آن معانی فوق فهم انسانی است و آدمی باید در ترجمه آن فقط واژه‌ای را در برابر واژه متن گذارد و بس؛ هرچند که معنی اصل و متن کلام را درنیابد. این متون، همان متون مقدسه دینی است که در نزد معتقدان، متون وحیانی‌اند؛ یعنی کلامی که معتقد بر آن است که معنی اصلی در نزد وحی کننده است و آدمی چون در منزلت وحی کننده نیست، سخن او را شبیه سخن قرین خود

نمی‌داند و معنی واقعی بر او مخفی است و در این ترجمه‌ها مترجم بر آن می‌رود که فقط الفاظ متن جای خود را به الفاظ ترجمه سپرد. ترجمه آیات قرآنی بر این نسق است. ترجمه‌های عهد جدید تا حدی بر این راه است. به ترجمه‌های پارسی نامه‌های پولس در انجیل توجه کنید، خواهید دید آنها بسیار نزدیک به ترجمه لغت به لغتند...»<sup>۱</sup>.



۱. «گفت و گو با استاد عبدالله انوار»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۱ (پیاپی ۱۰۰)، شهریور ۱۳۸۹، ص ۵۱.